

معلولیت و اجتماع



معلولیت یک پدیده جهانی است که پیامدهای فردی و اجتماعی عمیقی دارد و نیازمند رویکردی جامع برای تضمین مشارکت کامل افراد دارای معلولیت در جامعه است.

کلید توانمندسازی افراد دارای معلولیت، ایجاد جامعه‌ای فراگیر و عادلانه است که در آن با تغییر نگرش‌ها، حمایت‌های اجتماعی و قانونی، اشتغال منصفانه، و دسترسی به فناوری‌های کمکی، فرصت‌های برابر برای همه فراهم شود.

مدل اجتماعی ناتوانی

مدل اجتماعی معلولیت، یک مدل برای مطالعه و فهم ناتوانی و معلولیت و سیاست‌گذاری و کنش‌گری در مورد آن است.

این مدل تلاش دارد تا موانع ساختاری، نگرش‌های تحقیرآمیز و طرد اجتماعی (عمدی یا سهوی)، سوگیری و پیش‌داوری علیه معلولان را شناسایی کند.

این موانع دستیابی به عملکردهای ارزشمند را برای افراد دارای عارضه دشوار یا غیرممکن می‌کند. مدل اجتماعی ناتوانی در برابر مدل پزشکی ناتوانی (مدل غالب) قرار دارد.

مدل پزشکی ناتوانی یک تحلیل عملکردی از بدن است که در آن بدن به مشابه ماشینی است که باید اصلاح یا/درمان شود تا با ارزش‌های هنجاری تطبیق داده شود.

مدل پزشکی معلولیت عارضه و معلولیت را یکی در نظر می‌گیرد و راه رفع موانع را در تغییر و اصلاح فرد معلول می‌داند.

به عبارتی در مدل پزشکی بدن و ذهن فرد معلول معیوب دانسته می‌شود و باید اصلاح شود. در مدل اجتماعی، در حالی که پذیرفته می‌شود که تغییرات و تفاوت‌های فیزیولوژی، حسی، فکری یا روانی ممکن است باعث محدودیت عملکردی برای فردی شود، این عارضه‌ها لزوماً به ناتوانی منجر نمی‌شوند مگر اینکه جامعه افراد را بدون توجه به تفاوت‌های فردی آنها در نظر نگیرد و آنها را شامل برچسب و ساخت اجتماعی «ناتوانی/معلولیت» کنند.

مدل اجتماعی معلولیت بر اساس تمایز بین اصطلاحات «*impairment*» و «*disability*» است.

در این مدل، واژه «*impairment*» یا عارضه برای اشاره به ویژگی‌های واقعی (یا فقدان صفات) که بر شخص تأثیر می‌گذارد، مانند داشتن عارضه در راه رفتن یا تنفس، استفاده می‌شود.

واژه ناتوانی/معلولیت یا «*disability*» اما برای اشاره به محدودیت‌های ساختاری، اجتماعی، کالبدی و محیطی جامعه به کار می‌رود که به نیازهای افراد دارای عارضه توجه ندارد و بر اساس نیازها و ویژگیهای افراد بدون عارضه ساخته شده است.

به عنوان یک مثال ساده، اگر فردی قادر به بالا رفتن از پله نباشد، مدل پزشکی بر توانایی جسمانی فرد برای بالا رفتن از پله‌ها تمرکز می‌کند.

مدل اجتماعی اما سعی می‌کند استفاده از پله را برای فرد غیرضروری کند و جامعه را با نیازهای فرد سازگار کند و با جایگزین کردن پله‌ها با رمپ، بالابر یا آسانسور قابل دسترس برای ویلچر، به فرد در زندگی کمک کند.

بر اساس مدل اجتماعی، فرد در ارتباط با بالا رفتن از پله‌ها دارای عارضه باقی می‌ماند، اما در آن سناریو دیگر نباید این عارضه را ناتوان‌کننده یا معلول ساز در نظر گرفت، زیرا فرد می‌تواند بدون بالا رفتن از پله‌ها به مکان مورد نظر خود برسد.

خاستگاه و ریشه‌های این رویکرد را می‌توان در دهه ۱۹۶۰ میلادی دنبال کرد و این اصطلاح خاص از انگلستان و در دهه ۱۹۸۰ میلادی ظهور کرد. به گفته مایک اولیور (به انگلیسی: Mike Oliver)، جامعه‌شناس بریتانیایی و فعال حقوق معلولان، هیچگاه هدف از ایجاد مدل اجتماعی ناتوانی هرگز توضیحی فراگیر از هر چیزی که یک فرد معلول تجربه می‌کند نبوده است.

مدل اجتماعی ناتوانی یا معلولیت، به صورتی زیربنایی بر فهم معلولیت در بستر سرمایه داری مبتنی است.

مالیت و رانزویک-کول، از پژوهشگران مطالعات معلولیت تأکید دارند که روابط اجتماعی و ساختارهایی که باعث معلولیت می‌شوند، ریشه در اصل بنیادی تولید کالایی، یعنی تولید برای فروش کسب ارزش اضافه دارند، زیرا این اصل مبتنی بر رقابت، افزایش حداکثری سود و کمترین هزینه اقتصادی ممکن است.

اهمیت معلولیت و اجتماع

• جامعه‌ای فراگیر:

مشارکت فعال افراد دارای معلولیت در جامعه به ایجاد جامعه‌ای عادلانه‌تر و فراگیرتر کمک می‌کند.

• حقوق بشر:

مشارکت اجتماعی افراد دارای معلولیت یکی از موضوعات مهم در حوزه عدالت اجتماعی و حقوق بشر است.

• کاهش مشکلات فردی و اجتماعی:

با توانمندسازی افراد دارای معلولیت، فشار روانی آن‌ها کاهش یافته و از مشکلاتی مانند تکدی‌گری و اعتیاد جلوگیری می‌شود.

چالش‌های پیش روی افراد دارای معلولیت در جامعه

• نگرش‌های منفی:

نگرش منفی و تبعیض‌آمیز جامعه، بزرگترین مانع پیشرفت شغلی و اجتماعی این افراد است.

- **ناپرابری فرصت‌ها:**

معلولیت به دلیل نامناسب بودن شرایط جامعه باعث محرومیت افراد از حق حضور و استفاده از امکانات می‌شود.

- **نبود استقلال مالی:**

عدم دسترسی به شغل مناسب با درآمد منصفانه، منجر به وابستگی و فشار مالی بر افراد و خانواده‌های آن‌ها می‌شود.

راهکارهای افزایش مشارکت و توانمندسازی

- **تغییر نگرش‌ها:**

برگزاری کمپین‌های آگاهی‌بخشی و برنامه‌های آموزشی برای ترویج فرهنگ فراگیری.

- **حمایت‌های اجتماعی و قانونی:**

تقویت سیستم‌های حمایتی و اصلاحات قانونی برای دسترسی برابر به منابع.

- **اشتغال فراگیر:**

ایجاد فرصت‌های شغلی منصفانه، تشویق کارآفرینی، و تضمین دستمزدی برابر برای افراد دارای معلولیت.

- **استفاده از فناوری‌های کمکی:**

به‌کارگیری فناوری‌های نوین برای بهبود شرایط زندگی و کار.

- **توانمندسازی و اعتمادبه‌نفس:**

ایجاد شغل به فرد احساس هدف می‌دهد و باعث افزایش اعتمادبه‌نفس او و مشارکت در جامعه می‌شود.